نگاه

مجتبی نوروزی*

گزینه‌های روی میز برای تامین حقابه هیرمند

اخیرا شاهد آن هستیم که حکومت مستقر در افغانستان حقابه سیستان‌وبلوچستان ایران را به‌بهانه خشکسالی و کاهش بارندگی تامین نکرده است و مردمان این سرزمین با مشکلات عدیده‌ای برای تامین آب شرب و کشاورزی خود روبه‌رو هستند. این در حالی است که براساس توافقات ثبت شده بین‌المللی میان ایران و افغانستان در دوره پهلوی، افغانستان متعهد و مکلف به تامین حقابه سیستان‌وبلوچستان هم برای مصرف شرب، هم برای کشاورزی و نیز تالاب‌های بین‌المللی این منطقه شده است.
در سند نخست که به تامین آب شرب و کشاورزی مردم سیستان پرداخته شده است، به شکل دقیق، فنی و کاملا علمی چگونگی تامین حقابه سیستان از رودخانه هیرمند مشخص شده است و طرف افغانستانی می‌بایست این حقابه را به سمت مرزهای ایران رها و اجازه ورود آب برای استفاده مردم در پایین دست رودخانه هیرمند را فراهم کند. در سند توافق‌شده دیگر نیز، طرف افغانستانی براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی و توافقاتی که با دولت ایران داشته است باید حقابه تالاب بین‌المللی سیستان را تامین کند تا از بروز عوارض زیست‌محیطی در منطقه که گریبان مردم سیستان و حتی ساکنان غرب افغانستان را نیز می گیرد جلوگیری کند.
با توجه با این وضعیت، اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر تامین حقابه ایران از سوی افغانستان با واکنش حکومت مستقر در افغانستان روبه‌رو شده است و آنان ادعا کرده‌اند که تامین نشدن حقابه به‌دلیل خشکسالی و نبود آب اتفاق افتاده است.
بدون شک، اثبات مسئله خشکسالی و کاهش نزولات جوی در رودخانه هیرمند را نباید در قالب بیانیه‌های سیاسی مطرح کرد بلکه این موضوع نیاز به کارشناسی و بررسی میدانی وضعیت رودخانه هیرمند دارد. برای بررسی موضوع باید کارشناسانی از سوی ایران به افغانستان سفر کنند تا صحت این موضوع را تأیید کنند.از سوی دیگر، شاهد آن بودیم که از اواخر دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۸۰ دولت‌های وقت افغانستان با فشار پاکستان و حمایت آمریکا سدهای متعددی را در مسیر رودخانه‌هایی که آب آنها وارد ایران می‌شد احداث کنند. این در حالی بود که سدی در مسیر رودخانه‌های منتهی به پاکستان ساخته نشد.
این اقدام متأسفانه با سکوت طرف ایرانی روبه‌رو و این موضوع اکنون منجر به آن شده است که حقابه مردم سیستان و تالاب‌های آن به‌دلیل وجود این سدها تامین نشود و آبی از مسیر رودخانه هیرمند، زمین‌های مردم سیستان را سیراب نکند.
گرچه حکومت مستقر در افغانستان مدعی است در صورت وجود آب، حاضر به تامین حقابه ایران است اما درعمل طالبان حاضر به تامین آب شرب و کشاورزی و نیز تالاب‌های منطقه نیستند و همان راهی را می‌روند که حکام سابق افغانستان با تحریک‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن را طی می کردند. قواعد و قوانین بین‌المللی و نیز توافقات دوجانبه ایران و افغانستان درباره حقابه هیرمند کاملا روشن است و دست ایران برای پیگیری حقوقی و سیاسی موضوع از طریق مراجع بین‌المللی کاملا باز است.
خوشبختانه به اندازه کافی ابزارهایی برای متقاعد کردن طرف افغانستانی برای عمل به تعهداتی که در قبال ایران دارد در اختیار جمهوری اسلامی قرار دارد. گرچه رئیس‌جمهور استفاده از هر روشی را برای احقاق حقابه ایران محتمل دانسته است اما بعید به‌نظر می‌رسد ایران بخواهد از ابزار نظامی برای حل و فصل این مشکل استفاده کند و تمایل ایران به تعامل، گفت‌وگوی سیاسی و دیپلماتیک برای برطرف کردن این مشکل است. اما هر گزینه‌ای برای تضمین حقوق مردم ایران از حقابه هیرمند روی میز است چرا که نمی‌توان از این موضوع به سادگی عبور کرد.

*رایزن سابق فرهنگی ایران در افغانستان

یادداشت

ابوالفضل ظهرهوند*

حقابه هیرمند؛ چالش‌ها و راهکارها

ادامه از صفحه اول

دراین میان در دور دوم قدرت‌گیری طالبان در افغانستان نیز شاهد ادامه رویکردهای مبهم طرف مقابل در زمینه حقوق آبی ایران بوده‌ایم. در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که طرف مقابل درحال تغییر مسیر جریان آب در پایین دست بوده است و با حفر کانال‌های انحرافی، به‌ویژه در «لشگرگاه»، زمینه‌ساز کاهش محسوس سهم آبی ایران شده است. درواقع مسیرهای انحرافی دراین بخش، آب را به‌سوی زمین‌های زیرکشت خشخاش هدایت کرده است.
باوجوداین امانکته اینجاست که در سال‌های گذشته دولت‌های وقت در برابر اقدام‌های کارشکنانه طرف افغانستانی در این زمینه رویکرد «اغماض» را درپیش گرفتند؛ رویکردی که زمینه‌ساز مناقشه‌های کنونی شده‌است. جالب اینجاست که برخی در واکنش به انتقادها درباره عدم‌تحقق حقابه هیرمند، به خشک شدن هامون و بی‌تقصیری طالبان اشاره می‌کنند. این درحالی است که بخش زیادی از منابع هیرمند مربوط به آبی است که از اکوسیستم «هندوکش» سرچشمه می‌گیرد.
با همه این بحث‌ها اما باید به یک نکته اساسی توجه داشت؛ اینکه تغییر اکوسیستم منطقه ازسوی طالبان تنها یک پرده از رویکردهای پرهزینه حاکمان جدید افغانستان است. روندی که ازسوی آنان درپیش گرفته شده، نشان می‌دهد طالبان راهبردهای بلندمدتی درحوزه تغییر ژئوپلیتیک و ژئوکالچر منطقه تدوین کرده و درحال اجرایی‌سازی آن است. تصمیم‌سازان و سیاستگذاران دولتی باید به این نکته توجه داشته باشند که موضوع هیرمند تنها بخشی از سیاست‌های مخرب طالبان است و در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی نیز شاهد اقدام‌های مخرب آنان هستیم.
به‌عنوان «راهکار» به‌منظور برون‌رفت از چنین وضعیتی و مقابله با تهدیدهای موجود دراین منطقه، می‌توان به این نکته اشاره کرد که مواجهه مؤثر با طالبان «دیپلماسی مؤثر» می‌طلبد. با توجه به اینکه طرف مقابل از وضعیت یک دولت کامل و پیش‌برنده امور برخوردار نیست، باید دیپلماسی خود را در قبال کلیت افغانستان مورد بازنگری قرار دهیم. باید ضمن تغییر الگوهای آبی منطقه و استفاده از فناوری‌های نوین، چالش‌های آبی موجود را مستقل از طالبان رفع کنیم تا پس از آن بتوانیم با به‌کارگیری دیپلماسی بر مسائل مطرح دراین حوزه فائق آییم.

*سفیر پیشین ایران در افغانستان

حق‌مان را می‌گیریم

- هشدار به طالبان برای حقابه هیرمند
- طالبان در سال گذشته ۲ میلیارد مترمکعب آب را تعمدی وارد شوره‌زار کرد

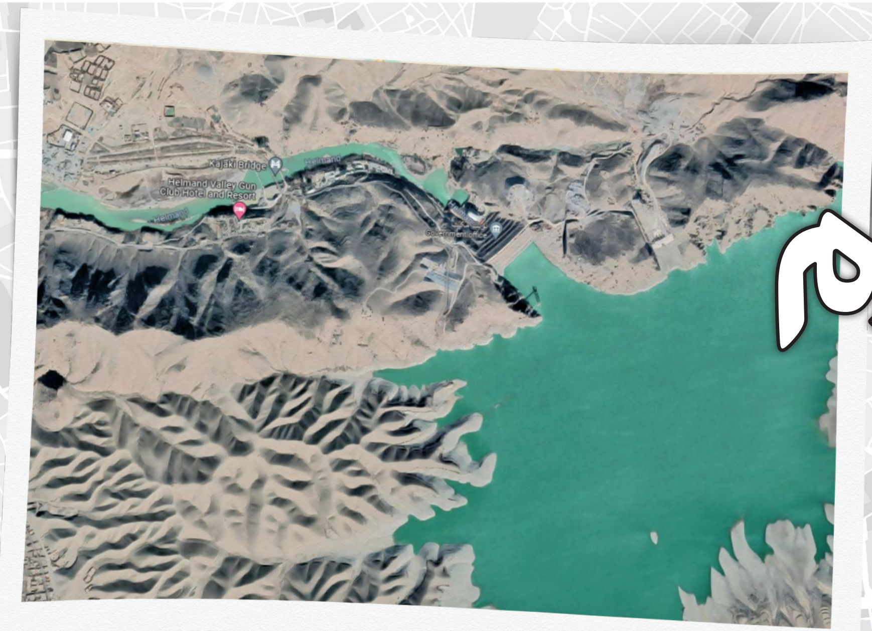

نمایی از سد کجکی افغانستان که به اعتقاد کارشناسان ذخیره آبی آن بیشتر از سال های گذشته است

گزارش

محمد باریکانی
روزنامه‌نگار

طالبان مطالبه جدی ایران برای تحویل حقابه ملت ایران را جدی نگرفته و حاضر نیست حق مردم سیستان و بلوچستان را به آنها بدهد. همین دیروز مقامات طالبان در ویدئویی تمسخرآمیز یک گالن آب از یک استخر بیرون آوردند و گفتند این هم حق ایران. مقامات طالبان دروغگویی در مورد نبود آب در افغانستان برای تحویل حقابه هامون را با انتشار یک اطلاعیه به اوج رساندند و همزمان تصاویر ماهواره‌ای مشخص کرد که سدهای کجکی و بند کمال‌خان پشت مرزهای ایران نسبت به سال گذشته ذخایر آبی بیشتری دارند. این در حالی است که طالبان مدعی نبود آب در افغانستان برای تحویل حقابه شرعی و قانونی ایران است. اما بازی طالبان چگونه و از کجا آغاز می‌شود؟ رودخانه هیرمند در افغانستان چگونه به تالاب هامون در ایران می‌رسد و خودداری طالبان از تحویل حقابه ایران چه فاجعه‌ای در سیستان و بلوچستان به‌بار آورده است؟

سرچشمه هیرمند
کوه‌های بابا یغما در
۶۰کیلومتری
غرب کابل

فاصله سد کجکی تا مرز ایران
حدود
۷۰۰
کیلومتر

سهم هامون از حقابه هیرمند
۸۲۰میلیون
مترمکعب در سال

۲۶مترمکعب در ثانیه

تمام حقابه‌ای که افغانستان سال گذشته به ایران تحویل داد
۲۷میلیون
مترمکعب

۴درصد حقابه

طول رودخانه هیرمند تا مرز ایران
۱۱۰۰
کیلومتر

گنجایش سد کجکی
۲میلیارد
مترمکعب

حقابه هامون از کدام رودخانه‌ها تامین می‌شود؟
هیرمند، خاش‌رود، خوسپاس، هاروت، فراه‌رود

هدر رفت تعمدی آب توسط طالبان
۲ میلیارد
مترمکعب
انحراف به سمت شوره‌زار

کشورهایی که در مدیریت منابع آب افغانستان سهیم هستند
ترکیه
هندوستان
پاکستان
هلند

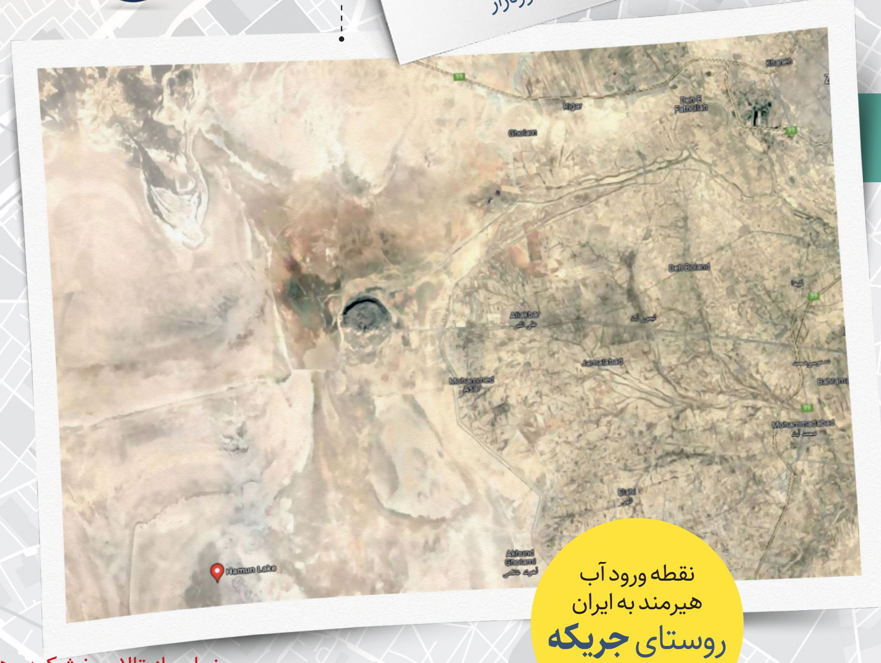

نقطه ورود آب هیرمند به ایران
روستای **جریکه** در سیستان

نمایی از تالاب خشکیده هامون در سیستان که به دلیل ندادن حقابه به کانون گرد و غبار تبدیل شده است.

سهم رودخانه هیرمند در منابع آب افغانستان
۱۱/۳
درصد

متوسط آورد رودخانه هیرمند
حدود **۶میلیارد**
مترمکعب آب

رودخانه هیرمند
۴۰درصد
وسعت خاک افغانستان را شامل می‌شود

سطح اراضی کشاورزی افغانستان در نزدیکی مرز با ایران
۱۵۰
هزار هکتار

فاصله بند کمال‌خان تا مرز ایران
حدود
۸۰کیلومتر

تاریخ تعاملات آبی ایران و افغانستان در ماجرای حقابه هامون

۱۷۶ سال
از زمان جدایی مرز ایران و افغانستان

آغاز مناقشه جدی آب میان ایران و افغانستان

همزمان با افتتاح بند کمال‌خان اشرف غنی، رئیس‌جمهور متواری اعلام کرد کشور همسایه (ایران) اگر آب می‌خواهد پولش را بپردازد.

جدال آبی بر سر هیرمند در گذر زمان

در ۲ قرن گذشته، حقابه هیرمند چه روندی را طی کرده است؟

گزارش

مناقشه مرزی ایران و افغانستان بر سر حقابه رود هیرمند تاریخچه دور و درازی دارد و در دوره‌های مختلف همواره به‌عنوان مناقشه‌ای میان دوطرف مطرح بوده‌است. در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر، به‌هنگام بی‌آبی، اختلاف‌ها و بعضا تنش‌ها میان ایران و افغانستان دراین زمینه بالا گرفته و با وجود انعقاد برخی معاهده‌ها در گذشته، همچنان ادامه دارد. در ادامه به بررسی مهم‌ترین رویدادهای تاریخی در زمینه حقابه رود هیرمند می‌پردازیم.

سال ۱۲۳۶ شمسی
جدایی هرات از ایران براساس معاهده پاریس میان دولت ایران در عصر ناصرالدین شاه و سفیر بریتانیا در پاریس در سال ۱۲۳۶ شمسی (۱۸۵۷میلادی)، را باید سرآغاز چالش‌ها بر سر حقابه رود هیرمند دانست. از این مقطع و با خودداری حاکمیت افغانستان از جاری شدن رود هیرمند به ایران، این موضوع به چالشی میان دوطرف تبدیل شد.

سال ۱۲۵۰شمسی
با توجه به اینکه براساس معاهده پاریس، انگلیس به‌عنوان حاکم در اختلافات ایران و افغانستان تعیین شده بود، موضوع تقسیم آب هیرمند به این دولت واگذار و درسال ۱۲۵۰شمسی (۱۸۷۲میلادی) ژنرال گلداسمیت به‌عنوان مأمور رسیدگی به دعاوی مرزی دوطرف تعیین شد.

سال ۱۲۵۰ شمسی
دراین سال دولت‌های ایران و افغانستان رأی حکمیت انگلیس مبنی براینکه «هیچ‌یک از طرفین نباید به عملیاتی مبادرت کند که باعث کسر آب لازم برای آبیاری سواحل هیرمند شود» را پذیرفت. براساس این رای، «ایران و افغانستان باید به‌صورت متساوی‌الطرفین از آب هیرمند برخوردار شوند و اگر افغانستان نهرهایی را که از این رود منشعب می‌شوند آباد کند، نباید به زیان حقابه ایران باشد.

سال ۱۲۷۹ شمسی
تغییر مجاری هیرمند، زمینه‌ساز دور تازه‌ای از اختلاف‌های آبی میان دوطرف شد و براساس عهدنامه پاریس، انگلستان بار دیگر برای حکمیت دراین باره اقدام کرد.

سال ۱۲۸۱ شمسی
کلنل مک‌ماهون انگلیسی، به‌عنوان مأمور رسیدگی به اختلاف‌های آبی دوطرف تعیین شد.

سال ۱۲۸۳شمسی
براساس رأی مک‌ماهون «از آب هیرمند که به بند کمال خان می‌رسید، دوسوم به افغانستان و یک‌سوم به ایران اختصاص یافت».

سال ۱۲۸۴ شمسی
ایران رأی مک‌ماهون را نپذیرفت و آن را برخلاف اصل حاکمیت خود قلمداد کرد. براین اساس اصل قبلی تقسیم مساوی آب میان دوطرف باقی ماند.

سال ۱۳۰۰ شمسی
با پایان جنگ جهانی اول و آغاز مذاکرات رسمی سیاسی میان ایران و افغانستان، عهدنامه مودت میان دوطرف منعقد شد که توانست اختلاف‌های دوطرف در زمینه حقابه هیرمند را رفع کند.

سال ۱۳۰۹ شمسی
خلعتبری سفیر ایران در کابل، مذاکراتی را درباره رفع اختلاف‌های دوطرف در مسئله آب هیرمند انجام داد که زمینه‌ساز شکل‌گیری کمیسیون مشترکی در این زمینه شد.

سال ۱۳۱۰ شمسی
نخستین مذاکرات مستقیم ایران و افغانستان درباره تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۱۰انجام شد؛ مذاکراتی که خروجی آن پذیرش سهم برابر بود.

سال ۱۳۱۵ شمسی
هیأت‌های ۲ کشور در شهریورماه ۱۳۱۵آب رود هیرمند را از بند «کمال‌خان» تا «بند لخشک»، به‌صورت نصف نصف به‌مدت یک سال تقسیم و توافق کردند هریک از دوطرف قادر باشند تا سهم آب خود را در خاک خود و از هر جایی که احتیاج داشته باشند، از رودخانه جدا کنند.

۸ دی‌ماه ۱۳۱۷
باقر کاظمی، سفیر وقت ایران در کابل و علی‌محمدخان، وزیر خارجه افغانستان قراردادی در ۱۶ماده به‌همراه اعلامیه ضمیمه آن را امضا کردند. براساس این قرارداد میزان آبی که به بند کمال‌خان می‌رسید، به‌صورت مساوی تقسیم می‌شد. همچنین مقرر شد دولت افغانستان از «چهار برجک» تا «بند کمال‌خان»، کانال تازه‌ای نسازد.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸
قرارداد ایران و افغانستان درباره آب هیرمند ازسوی مجلس ایران تصویب، اما عدم‌تصویب آن ازسوی مجلس افغانستان، مانع اجرای مفاد آن شد.

۱۳۲۴ شمسی
به‌دنبال اشغال ایران ازسوی متفقین در شهریورماه ۱۳۲۰، افغانستانی‌ها نسبت به ساخت سدمخزنی و کانال انحرافی با همکاری آمریکایی‌ها اقدام کردند که زمینه‌ساز منحرف شدن آب هیرمند به‌سوی افغانستان شد.

۱۳۳۰ شمسی
با توجه به ادامه اختلاف‌ها، ایران قصد ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل را داشت که با پیشنهاد آمریکا برای میانجیگری، کمیسیون هیرمند تشکیل شد.

۲۲ اسفندماه ۱۳۵۱
مذاکرات طولانی ایران و افغانستان درباره تقسیم آب هیرمند، درنهایت به انعقاد آخرین معاهده دراین زمینه منجر شد و ایران حقابه ۲۲مترمکعب بر ثانیه را پذیرفت.

۸دی‌ماه ۱۳۵۸
با اشغال افغانستان ازسوی نیروهای اتحاد جماهیر شوروی، دور تازه‌ای از اختلاف‌ها و چالش‌ها درباره مسئله آب هیرمند آغاز شد. این تحول مهم سبب شد اجرای طرح‌های مشترک آبی به‌دست فراموشی سپرده شود.

دی‌ماه ۱۳۶۷
با خروج نیروهای شوروی از افغانستان، دور تازه‌ای از بی‌ثباتی‌های سیاسی در افغانستان آغاز شد و اختلاف‌های مرزی و آبی دوطرف در حاشیه تحولات سیاسی – حاکمیتی در کابل قرار گرفت.

سال ۱۳۷۵ شمسی
با سلطه کامل طالبان بر افغانستان، چالش‌ها برسر حقابه هیرمند بار دیگر بالا گرفت و حاکمان جدید این کشور آب را روی ایران بستند.

سال ۱۳۸۰ شمسی
با سقوط طالبان درسال ۱۳۸۰، دو کشور بار دیگر سند همکاری امضا کردند؛ سندی که در بند۱۳آن، دوطرف بر اجرای معاهده ۱۳۵۱درزمینه تقسیم آب هیرمند تأکید کردند.

سال ۱۳۹۰ شمسی
کار احداث سد کمال خان در افغانستان، که از مهم‌ترین دلایل ایجاد بحران آبی در هیرمند به‌حساب می‌آید، دوباره آغاز شد.

سال ۱۴۰۰ شمسی
آغاز بهره‌برداری کامل از سد کمال‌خان در افغانستان، دور تازه‌ای از چالش‌های آبی در منطقه به‌دنبال داشت.

مرداد ۱۴۰۰ شمسی
بدنبال خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، آن‌هم پس از حدود ۲۰ سال اشغالگری و به‌دست گرفتن قدرت ازسوی نیروهای طالبان، دور تازه‌ای از اختلاف‌های آبی میان ایران و افغانستان آغاز شد. عدم‌پایبندی طرف مقابل به تعهدات خود در زمینه حقابه هیرمند، زمینه‌ساز بروز چالش‌هایی شد که همچنان ادامه دارد.

۱۴۰۱ شمسی
پس‌از روی کارآمدن دولت سیزدهم در ایران، دور تازه‌ای از رایزنی‌ها با طرف افغانستانی به‌منظور حل‌وفصل مناقشات آبی در حوزه هیرمند آغاز شد.

۲۸ اردیبهشت۱۴۰۲
رئیس‌جمهور ایران در جریان سفر به استان سیستان و بلوچستان، نسبت به تحقق حقابه ایران از رود هیرمند به طالبان اخطار داد.

ایرانی‌ها چه می گویند؟

پیگیری‌های دولت برای تحقق حقابه هیرمند

پیگیری تحقق حقابه ایران از هیرمند، یکی از اولویت‌های مهم جمهوری‌اسلامی در رایزنی با طرف افغانستانی، به‌ویژه پس از به‌دست گرفتن قدرت در این کشور ازسوی نیروهای طالبان بوده‌است. برهمین اساس، در آخرین روزهای اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ بود که معاون اول رئیس‌جمهور در دستورهای جداگانه‌ای خطاب به وزیر امورخارجه و معاون بین‌الملل و همکاری‌های منطقه‌ای معاون‌اول، خواستار پیگیری مجدانه برای تامین حقابه هیرمند از دولت مستقر در افغانستان شد. محمد مخبر دراین‌باره تأکید کرد: «دولت مستقر در افغانستان باید به این حقابه که براساس توافق‌های معتبر بین‌المللی، متعهد به رهاسازی آن برای بهره‌مندی مردم استان سیستان‌وبلوچستان است، پایبند باشد و هرچه سریع‌تر این موضوع را حل کند.»

دستور ویژه رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور در جریان نشست هیأت‌دولت در روز دوشنبه هفته گذشته، با دستور ویژه‌ای به وزرای نیرو و امورخارجه و همچنین نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان، به آنها ماموریت داد برای پیگیری حقابه ایران از رود هیرمند اقدام‌های لازم را انجام دهند. سیدابراهیم رئیسی در این نشست، حقابه ایران از هیرمند را مسئله‌ای بااهمیت عنوان کرد که باید به‌صورت ویژه و با جدیت کامل پیگیری شود. رئیس‌جمهور پیش از این نیز به معاون اول خود دستور پیگیری حقابه هیرمند را داده بود؛ دستورهایی که از رویکردهای دولت سیزدهم و دستگاه سیاست‌خارجی کشور در حوزه تحقق حقوق آبی ایران از هیرمند حکایت دارد؛ این درحالی‌است که در ۲۰ ماه گذشته نیز رایزنی‌های گسترده‌ای در این زمینه با طرف افغانستانی انجام شده‌است.

تدوین گام‌های عملیاتی

وزارت نیرو یکی از دستگاه‌هایی است که در هفته‌های اخیر به‌منظور تامین حقابه هیرمند، ماموریت ویژه یافته‌است؛ برهمین اساس هم بود که وزیر نیرو در روزهای اخیر با بیان اینکه برای تامین منابع آب هیرمند، گام‌های جدی تعریف شده‌است، تأکید کرد که براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، حقابه ایران از رود هیرمند را تا حصول نهایی پیگیری خواهیم کرد و دولت طالبان هم به عملیاتی کردن معاهده هیرمند متعهد شده‌است. علی‌اکبر محرابیان همچنین اعلام کرد که به‌دنبال دستور ویژه رئیس‌جمهور به‌منظور تعیین تکلیف مسئله آب شرق کشور، جلسه‌ای دراین زمینه با حضور دستگاه‌های مربوط تشکیل و تصمیم‌هایی نیز باهدف احقاق حقوق ایران دراین حوزه گرفته شده‌است.

اخطار رئیسی به حاکمان افغانستان

اظهارات اخیر رئیس‌جمهور در جریان سفر به استان سیستان‌وبلوچستان درباره حقابه ایران از هیرمند، از عزم جمهوری‌اسلامی به‌منظور احقاق حقوق خود در این زمینه حکایت دارد. سید ابراهیم رئیسی طی روزهای اخیر در مراسم آغاز لوله‌گذاری انتقال آب از دریا به استان‌های نوار شرقی کشور، با اشاره به سابقه تاریخی و توافق‌ها و معاهده‌های ۲کشور درباره حقابه هیرمند تأکید کرد: «می‌خواهم به حاکمان افغانستان عرض کنم که این سخن بنده را مطلب عادی تلقی نکنند و بسیار جدی بگیرند؛ به مسئولان و حاکمان افغانستان اخطار می‌دهم حق مردم و منطقه سیستان و بلوچستان را سریعا بدهند و بعدا گله نکنند به ما گفته نشد یا تصور می کردیم می‌شود با گفتار سیاسی و گذشت ایام از این مسئله گذر کرد.»

واکنش وزارت خارجه به بیانیه طالبان

به‌دنبال اخطار رئیس جمهور ایران به حاکمان افغانستان، دفتر ریاست الوزرای امارت اسلامی افغانستان با صدور بیانیه‌ای به این موضوع واکنش نشان داد؛ بیانیه‌ای که نکته‌ای به‌جز فرافکنی به‌همراه نداشت. در این میان وزارت امورخارجه ایران نیز با صدور بیانیه‌ای، بیانیه صادر شده ازسوی هیأت حاکمه افغانستان درباره حقابه هیرمند را متناقض و نادرست دانست و با رد آن اعلام کرد: معاهده بین ایران و افغانستان راجع به آب رود هیرمند به‌صورت صریح و بدون هیچ ابهامی، حقابه طرف ایرانی از رودخانه هیرمند را تعیین کرده‌است. در این بیانیه تأکید شده‌است که عدم‌اجرای معاهده و عدم‌تامین حقابه هیرمند ازسوی افغانستان و صدور بیانیه‌های سیاسی بدون اقدام عملی، به‌هیچ‌وجه قابل‌قبول نیست.

باید به یک تفاهم برای بازدید از سد برسیم

احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران دیروز درباره ماجرای حق آبه هیرمند و مناقشه بین ایران و افغانستان گفت: حقابه ایران (در تالاب هامون) یک حق تاریخی است و حاکمان افغانستان و طالبان بارها به وجود حقابه برای ایران اقرار کرده‌اند و گفته‌اند درصورت وجود آب، حقابه ایران را رها سازی می شود.وی ادامه داد: طالبان در حال حاضر می گوید آبی نیست و برخی گزارش ها حاکی از آن است که آب پشت سد مربوطه (سد کمال خان و بند کجکی) وجود دارد و برای اینکه ابهام موجود از بین برود باید به یک تفاهم با طالبان برسیم و در هماهنگی با وزارت خارجه و طالبان، مسئولان ذیربط از وضعیت آب پشت سد بازدید کنند.

دریچه

فاجعه در سیستان به‌دلیل بدعهدی افغانستان

- جمعیت سیستان براساس سرشماری سال ۸۵ حدود ۴۰۰هزار نفر بود، اما سرشماری سال ۹۲ مشخص کرد که جمعیت این منطقه به بیش از ۳۰۰هزار نفر رسیده است. سیستان هم‌اکنون به‌دلیل شرایط سخت زیست و نرسیدن حقابه هامون برخلاف جمعیت استان، با رشد منفی شدید جمعیت مواجه شده است.

- منطقه سیستان، ۵شهرستان، ۷شهر و ۸۳۰روستا دارد که به‌گفته منابع محلی همشهری، با بدتر شدن شرایط اقلیمی به‌دلیل خشکیدن هامون و افزایش کانون‌های گردوغبار، بسیاری از جمعیت این منطقه به خارج از سیستان مهاجرت کرده و بسیاری دیگر از ساکنان این نقطه از کشور در انتظار مهاجرت اجباری به‌دلیل شرایط اقلیمی هستند. منابع محلی همشهری می گویند، روستاهای زیادی در سیستان خالی از جمعیت شده و ساکنان آنها به‌طور کامل منطقه را ترک کرده‌اند. تنها افرادی که مانده‌اند یا کارمندان ادارات هستند یا افراد کهنسال که به‌دلیل عرق به زادگاهشان کوچ نکرده‌اند و یا افرادی که جایی برای هجرت ندارند.

- آب شرب سیستانی‌ها وابسته به‌وجود آب در تالاب هامون است. ۸۰درصد مردم سیستان، کشاورز، دامدار یا صیاد هستند که با خشکیدن هامون نه‌تنها شغل‌شان را از دست داده‌اند که تنها درآمدشان یارانه‌ای است که دولت به آنها پرداخت می کند.
- بادهای ۱۲۰روزه سیستان به‌دلیل تغییر اقلیم به ۱۸۰روز در سال رسیده است و این وضعیت با توجه به خشکیدگی هامون و تبدیل این تالاب وسیع به کانون گردوغبار فاجعه زیستی در سیستان رقم زده است. کارشناسان منابع طبیعی سیستان به همشهری گفته‌اند که اولویت آنها رساندن آب به کانون‌های گردوغبار است که با خشکیدن هامون هر روز بر شدت و وسعت آن افزوده می‌شود و اگر آب نباشد، وضعیت فاجعه می‌شود.
- خشکیدگی هامون و ندادن حقابه این تالاب بین‌المللی توسط دولت‌های پیشین و حاکمان طالبانی فعلی فرصت برنامه‌ریزی اقتصادی را هم از سیستان گرفته است و هیچ سرمایه‌گذار و هیچ‌یک از صنایع قادر به استقرار در منطقه‌ای که به کانون گردوغبار تبدیل شده و دوسوم از سال توفان‌های گردغبار منطقه را فرا می‌گیرند، نیست.

- بازی سیاسی افغانستان و طالبان با حقابه هامون موجب شده است که آب چاه‌نیمه‌های منطقه به انتها برسد و علاوه بر آنکه آب شرب سیستانی‌ها به پایان رسیده، کیفیت آب باقیمانده در چاله‌ها نیز به‌شدت کاهش یابد و سیستانی‌ها را با امراض متعدد مواجه کند. همین ۲هفته پیش در نیمروز سیستان آب شرب برای چند روز وجود نداشت و دولت مجبور به آبرسانی با تانکر به ساکنان این منطقه شد. چاه‌نیمه‌های سیستان نیز که پس از آب هامون مهم‌ترین منبع تامین آب شرب سیستان بود، تنها تا مدتی محدود قادر به تامین آب شرب سیستانی‌هاست.

تجدید آگهی فراخوان شناسایی پیمانکار بهره‌بردار شرکت صنایع مفتول بکسل پارس به شماره ۱۴۰۲۰۲۳۰

PARS WIRE & ROPE Industries co.

شرکت صنایع مفتول بکسل پارس در نظر دارد نسبت به شناسایی و پیش ارزیابی پیمانکاران واجد صلاحیت جهت دعوت به مناقصه انتخاب پیمانکار بهره‌برداری (شامل عملیات بهره برداری، نگهداری و تعمیرات) فاز اول کارخانه خود اقدام نماید.
متقاضیان واجد شرایط می توانند نامه اعلام آمادگی خود را به همراه مدارک خواسته شده حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ به آدرس ایمیل info@parswire.com ارسال و با شماره تلفن ۴۲۳۸۲۱۶۱ - ۰۳۴ الی ۳ تماس حاصل نمایند.
۱- محصول تولیدی کارخانه (فاز اول):
تولید انواع مفتول های فنری (PC WIRE, PC STRAND, SPRING WIRE and etc.)
۲- محل اجرا و تسلیم پیشنهادات:
کرمان-سیرجان - منطقه ویژه اقتصادی سیرجان - خیابان سردار کدپستی ۷۸۱۵۳۵۱۰۹۶
۳- شرایط مناقصه گران:
دارا بودن گواهینامه تایید صلاحیت پیمانکاری و ایمنی، توانایی مالی و سابقه اجرایی مشابه
تذکر ۱: پس از پایان مرحله ارزشیابی مناقصه‌گران، دعوت نامه شرکت در مناقصه برای مناقصه گرانی که صلاحیت ارزیابی اولیه را احراز نموده اند ارسال و فرایند انجام مناقصه وفق شرایط اعلام شده در اسناد مناقصه انجام خواهد شد.
تذکر ۲: اعلام آمادگی هیچ گونه حقی برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
تذکر ۳: هزینه انتشار این آگهی (نوبت اول و دوم در صورت نیاز) از برنده مناقصه آتی اخذ خواهد شد.